

شبکه‌های خشم و امید

جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت

مانوئل کاستلز
ترجمه‌ی مجتبی قلی‌پور



فهرست

- ۱ پیش‌گفتار مترجم
۳ سپاس‌گزاری

فصل اول

- ۹ سر‌آغاز: شبکه‌بندی ذهن‌ها، ایجاد معنا، به چالش کشیدن قدرت

فصل دوم

- ۲۷ طلایه‌ی انقلاب: جایی که همه چیز آغاز شد
۲۸ تونس: انقلاب آزادی و کرامت
انقلاب ظروف آشپزخانه‌ی ایسلند: از فروپاشی مالی تا حمایت عمومی از
۳۷ قانون اساسی جدید
۵۰ باد جنوبی، باد شمالی: اهرم‌های چندفرهنگی دگرگونی اجتماعی

فصل سوم

- ۵۳ انقلاب مصر
۵۶ فضای جریان‌ها و فضای مکان‌ها در انقلاب مصر
۶۰ پاسخ حکومت به انقلابی که با اینترنت تسهیل شده بود: قطعی بزرگ
۶۶ معترضان چه کسانی بودند و اعتراض آنها چه بود؟

۱۷۹ نمک زمین

فصل هفتم

۱۸۴ تغییر جهان در جامعه‌ی شبکه‌ای

۱۸۶ جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده: الگویی در حال ظهور؟

۱۹۳ اینترنت و فرهنگ خودمختاری

۱۹۸ جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده و سیاست اصلاحی: عشق ناممکن؟

فصل هشتم

۲۰۴ آن سوی خشم، امید: زندگی و مرگ جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده

۲۰۷ ضمایم

۲۷۵ کتاب‌شناسی

۳۰۰ واژه‌نامه

۳۰۳ نمایه

۶۹ زنان در انقلاب

۷۲ مسئله‌ی اسلامی

۷۵ «انقلاب ادامه خواهد یافت»

۷۷ فهم انقلاب مصر

فصل چهارم

۸۴ کرامت، خشونت، ژئوپلیتیک: خیزش‌های عربی

۸۷ خشونت و حکومت

۹۳ انقلاب دیجیتال؟

فصل پنجم

۹۹ انقلاب ریزوموار: خشمگین‌ها در اسپانیا

۱۰۸ جنبش خودرسانگری شده

۱۱۲ خشمگین‌ها چه می‌خواستند/می‌خواهند؟

۱۱۵ گفت‌وگوهای جنبش

۱۱۸ اختراع دوباره‌ی دموکراسی در عمل: جنبش بی‌رهبر تحت رهبری مجمع‌ها

۱۲۲ از هم‌اندیشی تا عمل: مسئله‌ی خشونت

۱۲۶ جنبش سیاسی علیه نظام سیاسی

۱۳۰ انقلاب ریزوموار

فصل ششم

۱۳۶ اشغال وال استریت: برداشت نمک زمین

۱۳۶ خشم، تندر، اخگر

۱۴۲ آمریکای شمالی در آتش

۱۵۱ جنبش شبکه‌ای شده

۱۵۹ دموکراسی مستقیم در عمل

۱۶۶ جنبش بدون خواسته: «فرایند همان پیام است»

۱۶۹ خشونت علیه جنبش بی‌خشونت

۱۷۲ دستاوردهای جنبش چه بود؟

فصل اول

سرآغاز

شبکه‌بندی ذهن‌ها، ایجاد معنا، به چالش کشیدن قدرت

هیچ‌کس انتظارش را نداشت. این اتفاق در جهانی روی داد که به دلیل فلاکت اقتصادی، بدبینی سیاسی، تهی‌شدگی فرهنگی و ناامیدی شخصی، سراسر تیره شده بود. ناگهان مردم با دست‌ان خالی توانستند دیکتاتوری‌ها را سرنگون کنند، اگرچه دستانشان با جانفشانی قربانیان خونین شده بود. شعبده‌بازان مالی که تاکنون مورد حسد عمومی بودند آماج تحقیر همگان شدند. فساد و دروغ‌گویی سیاستمداران آشکار شد. حکومت‌ها محکوم شدند. رسانه‌ها مورد شک واقع شدند. اعتماد از بین رفت و اعتماد همان چیزی است که جامعه و بازار و نهادها را همبسته نگه می‌دارد. بدون اعتماد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. بدون اعتماد، قرارداد اجتماعی فسخ می‌شود و مردم با تبدیل شدن به افرادی که در حالت تدافعی برای بقا می‌جنگند از هم می‌پاشند. اما در حاشیه‌ی جهانی که به آستانه‌ی ظرفیت خود برای زندگی انسان‌ها در کنار هم و سهیم شدن زندگی با طبیعت نزدیک می‌شد، افرادی دوباره گرد هم آمدند تا اشکال نوینی از ما بودن، مردم بودن، را تجربه کنند. در آغاز تعدادی اندک بودند، صدها تن به آنها پیوستند، سپس شبکه‌ای از هزاران تن ایجاد شد و آنگاه میلیون‌ها تن با صداها و تمنای درونی‌شان برای امید از آنها حمایت کردند. با تمام درهم‌برهمی و آشفتگی، از ایدئولوژی و هوچیگری عبور کردند تا با دغدغه‌های واقعی مردم واقعی در تجربه‌ی انسان واقعی که بازسازی شده بود ارتباط برقرار کنند. این رویه در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی آغاز شد زیرا این شبکه‌ها فضاهای خودمختاری هستند

جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای نخست در جهان عرب گسترش یافتند و با خشونت مرگبار دیکتاتوری‌های عربی مواجه شدند. این جنبش‌ها سرنوشت‌های مختلفی را از پیروزی تا مصالحه و از کشتارهای مکرر تا جنگ داخلی تجربه کردند. جنبش‌های دیگر علیه مدیریت نادرست بحران اقتصادی در اروپا و آمریکا ظهور کردند؛ علیه حکومت‌هایی که به قیمت قربانی کردن شهروندانشان جانب سردمداران مالی‌ای را گرفته بودند که در واقع مسئول این بحران بودند: در اسپانیا، یونان، پرتغال، ایتالیا (جایی که بسیج زنان در پایان دادن به نمایش دلچک‌وار برلوسکونی نقش مهمی داشت)، بریتانیا (جایی که اتحادیه‌های صنفی و دانشجویان در اشغال میادین و دفاع از بخش عمومی دست به دست هم دادند) و با شدت کمتر اما با همان نمادها در بیشتر دیگر کشورهای اروپایی. در اسرائیل، جنبشی خودجوش با تقاضاهای گوناگون توانست تبدیل به بزرگ‌ترین بسیج مردمی تاریخ اسرائیل شود و البته به بسیاری از خواسته‌های خود نیز دست یافت. در آمریکا، جنبش اشغال وال استریت که به اندازه‌ی سایر جنبش‌ها خودجوش بود و به اندازه‌ی سایر جنبش‌ها در فضای سایبر و فضای شهری شبکه‌ای شده بود تبدیل به رویداد سال شد و بر بیشتر بخش‌های کشور تأثیر گذاشت، تا آن‌جا که مجله‌ی «تایم»^۱ را به عنوان شخصیت سال انتخاب کرد و شعار ۹۹ درصد، که رفاهشان قربانی منافع ۱ درصدی شده بود که ۲۳ درصد ثروت کشور را کنترل می‌کنند، تبدیل به موضوع اصلی زندگی سیاسی آمریکایی شد. در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱ شبکه‌ای جهانی از جنبش‌های اشغال تحت عنوان «اتحاد برای تغییر جهان آ» با خواست عدالت اجتماعی و دموکراسی حقیقی صدها هزار تن را در ۹۵۱ شهر و ۸۲ کشور از سراسر جهان بسیج کرد. در تمام موارد، جنبش‌ها به احزاب سیاسی اعتنا نکردند، به رسانه‌ها اعتماد نکردند، هیچ رهبری را به رسمیت نشناختند، همه‌ی سازماندهی‌های رسمی و صوری را رد کردند، و به جای همه‌ی این‌ها برای بحث و تصمیم‌گیری جمعی بر اینترنت و مجمع‌های محلی تکیه کردند.

این کتاب تلاش می‌کند ابعاد گوناگون این جنبش‌ها اعم از صورت‌بندی، پویایی‌ها، ارزش‌ها و بالاخره چشم‌اندازهای آن‌ها برای دگرگونی اجتماعی را روشن کند. این کتاب پژوهشی درباره‌ی جنبش‌های اجتماعی جامعه‌ی شبکه‌ای است، جنبش‌هایی

که تا اندازه‌ی زیادی خارج از کنترل حکومت‌ها و شرکت‌ها عمل می‌کنند، حکومت‌ها و شرکت‌هایی که در سراسر تاریخ به انحصاری کردن کانال‌های ارتباط به مثابه‌ی شالوده‌ی قدرتشان پرداخته‌اند. افراد با به اشتراک گذاشتن بیم و امید در فضای عمومی آزاد اینترنت، با متصل شدن به یکدیگر و با تصور کردن برنامه‌ها از منابع چندگانه‌ی هستی، بدون توجه به دیدگاه‌های شخصی و پیوندهای سازمانی‌شان تشکیل شبکه دادند. آنها به هم پیوستند و این با هم بودن کمک کرد تا بر ترس غلبه کنند. ترس، احساس فلج‌کننده‌ای است که قدرت‌های موجود برای رشد و بازتولید خود از طریق ارباب یا مایوس کردن و در صورت لزوم حتی خشونت محض، چه به صورت عریان و چه نهاده‌ی، بر آن تکیه می‌کنند. مردم با سنین مختلف و شرایط گوناگون از فضای امن سایبر به سمت اشغال فضای شهری حرکت کردند، به سوی ملاقاتی کور با یکدیگر و با سرنوشتی که قصد داشتند خود آن را رقم بزنند. آن‌ها ادعا کردند که حق ساختن تاریخ، تاریخ خودشان، را دارند. این نوعی نمایش خودآگاهی است که مشخصه‌ی همیشگی جنبش‌های اجتماعی بزرگ بوده است.^(۱)

در جهانی که به وسیله‌ی اینترنت بی‌سیم شبکه‌ای شده است و ویژگی بارز آن پخش و ویروسی تصاویر و افکار است، جنبش‌ها از طریق سرایت^۱ گسترش می‌یابند. این جنبش‌ها در جنوب و شمال، در تونس و ایسلند، آغاز شدند و از آن‌جا اخگر آتش خود را بر چشم‌اندازهای اجتماعی گوناگون چهار گوشه‌ی سیاره‌ی آبی، که بر اثر حرص و دخالت بشر در معرض ویرانی بود، انداختند. فقط فقر یا بحران اقتصادی یا فقدان دموکراسی نبود که این شورش چندوجهی را ایجاد کرد. البته همه‌ی این جلوه‌های اندوه‌بار جامعه‌ی ناعادلانه و سازمان سیاسی غیردموکراتیک در اعتراض‌ها متجلی بود. اما عمده‌تاً و در درجه‌ی اول، احساس حقارت ناشی از بدبینی و خودبینی صاحبان قدرت، اعم از قدرت مالی، سیاسی یا فرهنگی بود که مردمان را گرد هم آورد، تا ترس را به خشم و خشم را به امید برای انسانیت بهتر تبدیل کنند. انسانیتی که ناچار بود خود را از صفر بازسازی کند و از دام‌های ایدئولوژیک و نهادی گوناگونی که بارها و بارها به بن‌بست انجامیده بودند فرار کند و با طی طریق، راهی جدید ایجاد کند. مضمون مکرر اغلب این جنبش‌ها جستجوی کرامت، در بحبوحه‌ی رنج بردن از حقارت بود.

1. The Protester

2. united for global change

1. contagion